

در نظر به تشکیک وجود ما متوجه نسبت‌های مختلفی هستیم که اعیان ثابت‌های اشیاء با

همدیگر دارند

شماره پرسش: ۶۷۳۴

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۹/۲۴ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

با سلام ۱- اینکه باید مخلوقاتی باشند تا خدا را به ظهور برسانند به معنای نیاز خدا به مخلوقات به حساب نمی‌آید؟ ۲- و آیا انسان در تمام عوالم وجود حاضر است و یا اینکه با اختیار خود می‌تواند در عوالم بالاتر حاضر شود؟ ۳- چرا با وجود نظریه وحدت شخصی ملاصدرا شما برای تبیین برخی از مسایل از تشکیک وجود استفاده میکنید؟ رابطه این دو نظریه دقیقا چیست؟ و آیا نظریه وحدت شخصی نواقصی دارد که نمیگذارد از تشکیک وجود دست کشید؟ ۴- آیا مخلوقات همان ظهور اسماء الهی هستند یا چیزی هستند که اسماء الهی توسط آنها ظاهر میشود و در اینصورت رابطه وجودی آنها با خداوند چگونه در نظریه وحدت شخصی تبیین میشود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- این نیاز به حساب نمی‌آید این عبارت است از ظهور کمالات حضرت حق. در حالی که حضرت حق آن کمالات را دارا است و با ظهور آن چیزی بر خداوند افزوده نمی‌شود ۲- از نظر تکوینی نفس ناطقه‌ی انسان در تمام عوالم حاضر است ولی از نظر تشریح و اراده‌ی فردی هرکس باید خودش با رفع موانع، خود را در عالمی مناسب اراده و انتخابش حاضر گرداند ۳- در نظر به تشکیک وجود ما متوجه نسبت‌های مختلفی هستیم که اعیان ثابت‌های اشیاء با همدیگر دارند و خداوند مطابق عین ثابت‌های هر موجود بر آن تجلی می‌کند ولی در وحدت شخصی وجود نظر به حضرت حق داریم و این که در همه جا حضرت حق است که در صحنه است و از این جهت این دو قابل جمع‌اند، چون در تجلی حق در عین ثابت‌های اشیاء نیز حق در صحنه است ۴- همان‌طور که در بحث عین ثابت‌های اشیاء روشن شده «امکان»، ذاتی اشیاء است به همان معنایی که ابن‌سینا می‌فرماید: «ما جعل الله المشمشة، مشمشة بل أوجدها» خداوند زردآلو را زردآلو نکرد بلکه ایجاد کرد. پس حضرت حق ممکنات را که امکان، ذاتی خودشان است وجود می‌دهد و از این جهت هر ممکن‌الوجودی مظهري از اسماء الهی است و در ذات خود هیچ وجودی ندارند. موفق باشید